

## زن ماهی در تمدن ایلام

خدیجه نقی پورفر

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران [kh.naghipourfar@gmail.com](mailto:kh.naghipourfar@gmail.com)

دکتر ناصر جدیدی (نویسنده مسؤل)

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران [jadidi\\_naser@yahoo.com](mailto:jadidi_naser@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۳

### چکیده:

آب همواره در شکل‌گیری تمدن‌های بزرگ بشری نقشی مهم و تعیین‌کننده داشته‌است که تمدن ایلام نیز از آن جمله است و از آن‌جا که بشر اولیه برای هر پدیده‌ای که برایش از اهمیت برخوردار بوده، نمادهایی ایزدی تعریف نموده‌است، برای آب نیز در تمامی تمدن‌ها ایزدی تعریف شده‌است که در تمدن ایلام نیز از کهن‌ترین دوران تمدنی آن، همواره ایزد آب و مخلوقاتش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، که از جمله این مخلوقات می‌توان به زن‌ماهیان اشاره نمود. آنان که از ایزدانوان همکار و مخلوق انا/انکی ایزد آب به شمار می‌رفتند، از دوران کهن ایلامی، در میان نقوش و آثار ایلامی دیده می‌شوند. البته باید توجه نمود با توجه به محدودیت منابع موجود از تمدن ایلام، و نیز تاثیر پذیری و تاثیرگذاری متقابل دو تمدن ایلام و میانرودان از یکدیگر، و تنوع بیشتر منابع میانرودانی، نقش و جایگاه زن‌ماهیان را باید با توجه به پیشینه آنان در تمدن میانرودان بررسی نمود، که البته این به دلیل انطباق کامل این مفاهیم در این دو تمدن نمی‌باشد اما، بدلیل قلت منابع ایلامی در این رابطه، نزدیکترین مفاهیم به مفاهیم ایلامی را می‌توان در میان منابع موجود در میان مفاهیم میانرودانی یافت. این مقاله بر آنست که با توجه به منابع موجود و به روش کتابخانه‌ای به بررسی نقش زن‌ماهی در تمدن ایلام بپردازد.

کلیدواژه: زن‌ماهی، انا، ایزد آب، ایلام، میانرودان

در فرهنگ ایلام و نیز میانرودان آب و ایزدان مربوط به آن همواره از جایگاه خاصی برخوردار بوده‌اند که مردماهیان و زن‌ماهیان به عنوان موجودات همکار این ایزد نیز مورد توجه بوده‌اند. چنانچه از آثار باقی‌مانده از تمدن ایلام مشخص می‌شود زن‌ماهی هموار از جایگاه خاصی در طول تاریخ این تمدن برخوردار بوده و در واقع در آثار بر جای مانده از این تمدن زن‌ماهیان نقش پررنگ‌تری نسبت به مردماهیان بر عهده داشته‌اند، که در این پژوهش با توجه به ارتباط تنگاتنگ فرهنگ ایلام و میانرودان کوشیده شده با کمک از اطلاعات باقی مانده از انسان‌ماهیان در فرهنگ میانرودان، به اطلاعات بیشتری نسبت به این موجود در فرهنگ ایلام دست یابیم، البته همواره اذعان به این نکته ضروری است که این رجوع به دلیل قلت منابع مکتوب و غیر مکتوب ایلامی و ازتباط تنگاتنگ فرهنگ میانرودان با ایلام است و هرگز این بدان دلیل نیست که این دو فرهنگ کاملاً منطبق بر هم بوده‌باشند بلکه این کمک گرفتن از فرهنگ میانرودان نزدیکترین اطلاعات به واقعیت در فرهنگ ایلامی را در اختیار ما می‌گذارد. از طرفی در این پژوهش، بدلیل کمبود تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، نویسندگان با مشکل کاهش منابع قابل رجوع روبرو بوده‌اند. در رابطه با این پژوهش دو منبع را می‌توان به عنوان تحقیقات پیشین در رابطه با زن‌ماهی در تمدن ایلام معرفی نمود که، اولی کار خانم آرمان شیشه‌گر (۱۳۹۳) با عنوان آرامگاه دوبانوی ایلامی از خاندان شوتورنهورته پسر ایندد، است که به طور مفصل به بررسی زن‌ماهیان یافته‌شده از جوبجی پرداخته است. دیگری مقاله مشترک شکری و حصاروی (بهار ۱۳۹۳)، با عنوان شکل ایزدبانو-ماهی در تنگ‌سروک است که این اثر را با مقایسه با یافته‌های جوبجی مربوط به دوران ایلام نو معرفی می‌کند. این پژوهش سعی دارد که با توجه به آثار بصری باقی‌مانده از زن‌ماهیان سیر حضور این زن‌ماهیان را از ابتدا تا انتهای تمدن ایلام بررسی نماید. سوال اولی که مطرح می‌شود اینست که پیشینه حضور زن‌ماهیان ایلامی در باور ایلامیان به چه دوره‌ای باز می‌گردد؟ فرضیه‌ای که در مورد این سوال مطرح شده حضور زن‌ماهیان از دوران کهن‌ایلامی بوده‌است. سوال دومی که

مطرح می‌شود اینست که چه ارتباطی میان زن ماهیان ایلامی و باورهای میان‌رودانی وجود دارد؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود اینست که زن ماهیان ایلامی نیز مانند دیگر جلوه‌های تمدن ایلامی با تمدن میان‌رودان ارتباط تنگاتنگی دارند و انسان‌ماهی از مخلوقات ایزد انا در میان‌رودان بوده‌است.

### ایزد آب و مخلوقاتش در میان‌رودان

آبزو<sup>۱</sup>/ آپسو<sup>۲</sup> در واقع مخلوقی ابتدایی، نرینه و ایزد آب‌های شیرین و همسرش تیامت<sup>۳</sup>/ نمو<sup>۴</sup> ایزد مادینه آب‌های شور است. در اساطیر آپسو در زیرزمین و بالاتر از جهان زیرین بود و برای رفتن به جهان زیرین باید از آن عبور می‌کردند. به حوض‌های آب مقدس در حیاط معابد نیز آپسو می‌گفتند. گاهی او در حال نشسته بر آبزو در حالی که پیرامونش با کانال‌های آب احاطه شده نشان داده شده‌است، که روزی از دست سر و صدای بچه‌هایشان خسته می‌شوند و آپسو قصد کشتن آنان را می‌کند ولی سرانجام بدست پسرش (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۵۱-۵۲؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۱۷-۱۹). انا صورت سامی (اکدی و بابلی) و انکیگ/ انکی صورت سومری این ایزد است و مردوک پسر او همسر دملگنونه<sup>۵</sup>/ دمکینه<sup>۶</sup> است. خانه زمینی انا شهر اریدو بود که در منتهی‌الیه شمالی سرزمین سومر و کنار خلیج فارس واقع بود که از آب‌ها برآمده بود (هال، ۱۳۹۲: ص ۳۲۴؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۲۰؛ ژیران، ۱۳۸۹: ص ۶۹؛ بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۷، ص ۷۲). انا در اساطیر سرچشمه خرد، هوش‌مند و درآک خوانده می‌شود. در سرای او سرنوشت آیندگان رقم می‌خورد. انا در میان‌رودان خدای آب‌های تازه و شیرین، ایزد خرد و منشا همه دانش‌ها، در اصل با ایزد زمین متفاوت بود. او ایزدی خالق و سرنوشت‌ساز است و با خرد، دارای قدرت سحر و جادو است. صورت سومری این ایزد انکی/ انکیگ است که در

Abzu<sup>۱</sup>

Apsu<sup>۲</sup>

Tiāmat<sup>۳</sup>

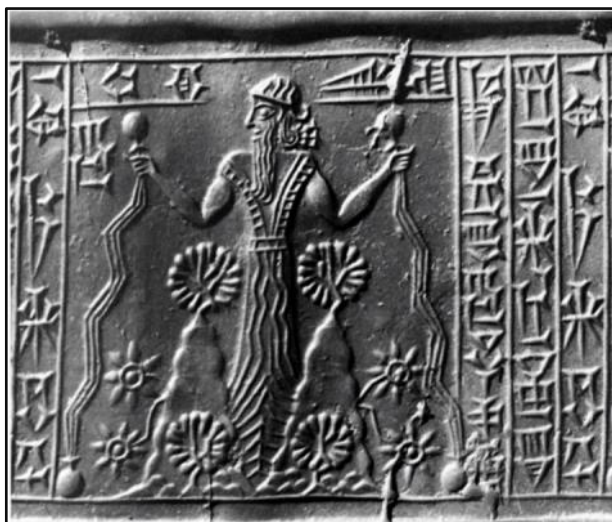
Nammu<sup>۴</sup>

Damgalnuna<sup>۵</sup>

Damkina<sup>۶</sup>

اقیانوس آب تازه‌ای به نام آبزو آپسو مقیم است که زمین آن را احاطه کرده‌است و زمین بر روی آن شناور است. در واقع آپسو و زیر زمین ولی بالاتر از جهان زیرین قرار دارد (نک. وارنر، ۱۳۸۹: ص ۱۸۹؛ هال، ۱۳۹۲: ص ۳۲۴-۳۲۵؛ بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۵۲ و ص ۱۲۸-۱۲۹؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۱۷-۲۰؛ ژیران، ۱۳۸۹: ص ۶۸). انا دختری به نام نانسه / نین سکیلا<sup>۷</sup> داشت که در وظایف ایزدی با او شریک بود او ایزدبانوی چشمه‌ها و آب‌راه‌ها بود و همانند پدر در اریدو و نیز در لاگاش معبد داشت. نشانه ویژه او گلدانی بود که یک ماهی در آن شناور بود (ژیران، ۱۳۸۹: ص ۸۳؛ پاتس، ۲۰۰۴: ص ۱۵۱). مردوک فرزند دیگر انا است. او از تمام ایزدان قوری‌تر است و هیچ کس را یارای مقابله با او نیست. او ایزدی چهار چشم و چهار گوش است، چشمان او همه چیز را می‌بیند و گوش‌هایش بزرگ است و اندامی غول‌آسا دارد که از دهان او آتش بیرون می‌آید، فهم او از همه بیشتر است و برای شاهی آفریده شده است. آنو بادهای چهارگانه را به او سپرده (وکیلی، ۱۳۹۳: ص ۲۹-۳۰). روزی آپسو از سر و صدای فرزندانش ناراحت می‌شود و قصد کشتن آنان را می‌کند که پسرش انا از قصد او با خبر می‌شود و او را می‌کشد و در زیر زمین بدن او را به دوازده تالار تقسیم می‌کند و خانه‌ی خود را در میان آن‌ها بنا می‌سازد. تیامت که از کشته شدن همسرش ناراحت است، گاو مرد، مرد ماهی، افعی‌ها، اژدها، شیر پرهیبت، سگ‌ها و گردبادهای توفنده را که با خود جنگ‌آزارهای کشنده دارند را برای جنگ و کشتن فرزندانش آماده می‌کند و فرزندانش مردوک را برای جنگ با و آماده می‌سازند. مردوک با تمام نیروهای جنگی و آفریده‌ای تیامت را به زنجیر می‌کشد و لگدمال می‌کند و پس از شکست تیامت، مردوک یازده آفریده او را به پاهای خود بست و همانند آن‌ها را ساخت و آنان اکنون بر دروازه‌های دوزخ یا دروازه‌های آپسو ایستاده‌اند. مردوک دیگر ایزدان را از زیر زمین و بالای مغاک به روی زمین آورد. سپس مردوک آنان را دوباره به جایگاه خدایی باز می‌گرداند (ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۳۸-۴۵ و کیلی، ۱۳۹۳: ص ۲۴-۳۲).

چنان‌که از این اسطوره بر می‌آید مرد ماهی که در این اسطوره کولیلی<sup>۸</sup> و زن ماهی کولیلتو<sup>۹</sup> نامیده شده‌اند، مانند دیگر آفریده‌های تیامت قدرت سرپیچی از فرمان او برای کشتار بیرحمانه را ندارد زیرا توسط او مسخ شده و اعمال او جبری و نه از روی اختیار است (ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۲۳؛ ویگرمان، ۱۹۹۲: ص ۱۸۳). واژه کولیلتو در متون اکدی، به معنای دوست بهشتی آنو و نیز پرنده کوچک آنو آمده‌است. چنان‌که در متنی آمده او نگهبان آبی ست که از کوه‌ها آمده و در کوزه او در حال گردش همراه با طغیان و انطباق است (ویگرمان، ۱۹۹۲: ص ۱۸۲-۱۸۳) و براساس مهری میانرودانی انا با کوزه‌های آب در بالای کوه‌ها دیده می‌شود که آب از آنجا جاری می‌شود (نک شکل ۱) و در مهری دیگر دو مرد ماهی دو طرف انا در حالی قرار دارند که این دو فواره آب به شانه‌هایشان وصل شده و مانند دو نگهبان دو طرف این فواره آب قرار دارند (نک. شکل ۲).



شکل ۱- انا، مهر استوانه‌ای آبی رنگ، دوره کاسی، یافته‌شده از تبس واقع در بلخ (پرادا، ۱۹۸۲: ص ۴۹).

<sup>۸</sup> Kulili

<sup>۹</sup> Kuliltu



شکل ۲- اناه، مهر های استوانه‌ای آبی رنگ، دوره کاسی، یافته شده از تبس واقع در بلخ (پرادا، ۱۹۸۲: ص ۴۹).

در اسطوره گیل‌گمش انسان کژدم را نگهبان کوهستانی معرفی می‌کند که ریشه آن به زیر زمین می‌رسد و تا آسمان کشیده شده است و خورشید از آن جا طلوع و غروب می‌کند (ساندرز، ۱۳۸۸: ص ۱۳۶) و نین‌گیزیدا<sup>۱۰</sup> که گاه او را به شکل افعی انسان نقش می‌کنند و دوست دوموزی یا تموز است به همراه او در کنار دروازه آسمان مشغول نگهبانی است (ساندرز، ۱۳۸۸: ص ۱۶۵) و نیز هومبابا<sup>۱۱</sup> نگهبان دروازه جنگل سدر است که به شکل وزرایی وحشی توصیف شده که در اثر کشتن او زلزله می‌شود و سپس انکیدو که عامل مرگ اوست میمیرد (ساندرز، ۱۳۸۸: ص ۱۱۸-۱۳۴). پس احتمالاً انسان ماهی نیز نگهبان بخشی دیر از زمین است. با توجه به مهری میانرودانی انسان ماهی‌ها در حال نگهبانی از درخت مقدس می‌باشند (نک تصویر ۲) و در سردر کاخ ساراگون<sup>۱۲</sup> II، مرد ماهی در میان امواج رودخانه نقش شده است (نک تصویر ۳) که به نظر می‌رسد این مهرها اشاره به حیگاه زندگی انسان ماهی در دریاها می‌باشد که شاید به نوعی نگهبان درختی مقدس کف رودخانه عمیق می‌روید که باعث جاودانگی می‌شد (نک. ساندرز، ۱۳۸۸: ص ۱۵۳)، نیز معرفی شده‌بوده‌اند. اما با توجه به

<sup>۱۰</sup> Ningizzida

<sup>۱۱</sup> Humbaba

<sup>۱۲</sup> Sargon

استل اونتش‌نپیرشه<sup>۱۳</sup> و نیز نقش‌کلاه‌خود به نظر می‌آید احتمالاً این موجود نگهبان آب‌ها بوده و چنان‌که زن‌ماهی استل جریان آب را با دو ست گرفته و کنترل می‌کند این موجود به طور کلی در تفکر ایلامیان و مردم میانرودان نگهبان آب‌ها بوده و به تبع آن با کنترل آب‌ها کنترل موجودات دریایی نیز از آن او بوده‌است (نک. تصویر ۱، ۲).



شکل ۳- مردماهی، جنس از سنگ گچ، یافته شده از کاخ ساراگون II، نگهداری در موزه لوور، مربوط به زمان نوآشوری، نیمه دوم قرن ۸ ق.م (ماخذ عکس: سایت موزه<sup>۱۴</sup>)

انکیگ/ انکی در هنر به شکل ایزد نشسته‌ای با ریش بلند و کلاهی با شاخ‌های فراوان به شکل زیگوراتی شاخ‌دار با چهار طبقه نشان داده می‌شود که ردای بلند چین‌دار به تن دارد. وی بیشتر در حال پذیرش عابدان یا حاملان هدایا است. گاهی ماهی‌های شناور در زیر پاهایش هستند و گاهی از بازوان او همراه آب ماهیان ریزی به سوی زمین در حرکتند و گاهی این ایزد ظرفی در دست دارد که از آن جویباران با ماهیانی جریان دارند (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۵۲، ص ۱۲۹؛

<sup>۱۳</sup> Untaš Napiriša

هال، ۱۳۹۲: ص ۳۲۵). از طرفی چون تندیس‌هایی از این انسان‌ماهی‌ها در کنار بیمار و یا در پی ساختمان‌ها یافت شده‌اند و از اینرو آنان را نوعی محافظ با نیروی جادویی نیز می‌توان دانست و نیز از آنجایی که در بسیاری از موارد این پیکرک‌ها در گروه‌هایی هفت‌تایی دفن شده‌اند، آنان و نمادشان را در ارتباط با هفت خردمند و خرد و دانایی دانسته‌اند (بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۴۲).



شکل ۴- مهر استوانه‌ای نوآشوری، از موزه متروپولیتن (بلک و گرین، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷؛ حصاری، ۲۰۱۴، ص ۳۸).

در هنر نوآشوری از این نماد با هدف محافظتی جادویی استفاده می‌شد. کاهنان نوآشوری جامه‌ای به صورت ماهی بر تن می‌نمودند. البته به نظر نمی‌رسد که همواره لباس آنان تماما از پوست ماهی می‌بوده بلکه شاید گاهی در دوخت و بافت پارچه سعی در تقلید از آن نقش می‌شده است (نک. هال، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰، بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۳۴، ص ۱۳۱). در نمادسازی آشوری، بابلی و کاسی چهارپای انا بز- ماهی است. گاه با نام بزکوهی آپسو خوانده می‌شود و با کشتن آپسو با آن



یکی می‌شود (بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۲۹). در نمادسازی آشوری، بابلی و کاسی، نماد انا چوبدستی خمیده‌ای بود که سرش قوچ است و نیز نماد دیگر او لاکپشت می‌باشد (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۲۹؛ هال، ۱۳۹۲: ص ۳۲۵). انا را همچون بزی با دم‌ماهی شکل کرده‌اند و البته او را به صورت انسانی که از شانه‌هایش یا از گلدانی که در دست اوست امواج فراوان می‌جهد. درودگران، سنگ‌بران و زرگران انا را به عنوان پشتیبان خود می‌پرستیدند. خانه زمینی انا شهر اریدو<sup>۱۵</sup> بود که در منتهی الیه شمالی سرزمین سومر و کنار خلیج فارس واقع بود که از آب‌ها برآمده بود (ژیران، ۱۳۸۹: ص ۶۸-۶۹). زن ماهی از مخلوقات انا بوده که از دوران بابل کهن، نو و نیز نواشوری نقوشی بسیاری از میانرودان با شکل زن‌ماهی بدست آمده است که احتمالاً به آن کولیل تو<sup>۱۶</sup> گفته می‌شده است و برای محافظت از آنان بهره می‌گرفتند. البته انسان‌ماهی نه به عنوان ایزد خاصی، بلکه به عنوان همکار ایزد انا و از مخلوقات آپسو شناخته می‌شده است (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۳۲؛ حصاری، ۲۰۱۴: ص ۳۸).

### ایزد آب در ایلام

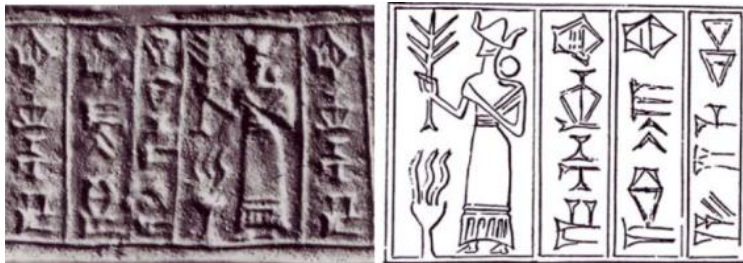
در تمدن ایلام با توجه به آثار بر جای مانده از ان، ایزد آبی با تمامی نمادهای انای میانرودانی دیده می‌شود. فارغ از آن‌که این ایزد در تمدن ایلام به چه نامی شناخته می‌شده ایزد را می‌توان بر روی برخی نقوش برجسته، سنگ‌کندها و آثار و مهرها دید که طی این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره شده است. از طرفی در اسطوره گیل‌گمش، اوتنایشتیم<sup>۱۷</sup>، به او نشان گل جاودانگی که در کف دریا می‌روید را می‌دهد و می‌گوید این گیاه پر از خار است و مانند گل سرخ می‌ماند و جوانی از دست رفته را به انسان باز می‌گرداند و مار با شنیدن بوی خوش آن پیدایش می‌کند و از گیل‌گمش گل را

<sup>۱۵</sup> Eridu

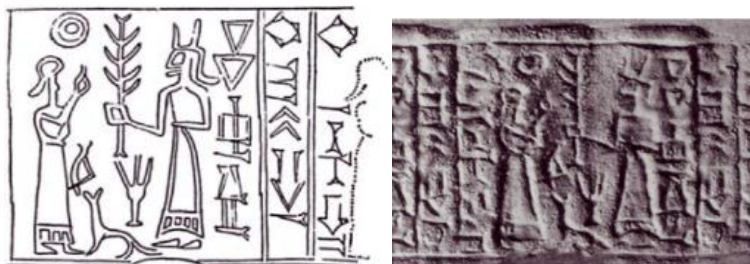
<sup>۱۶</sup> Kuliltu

<sup>۱۷</sup> Utnapištim در اشعار سومری حاکمی خردمند و کاهن شوروپک و در منابع اکدی شهروندی خردمند از شوروپک است.

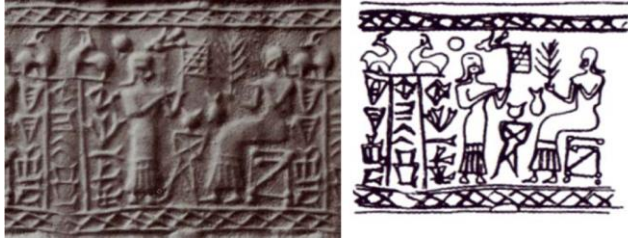
می‌رباید (ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۱۵۳). در اساطیر میانرودانی آنا ایزد آب‌هاست (ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۳۸-۴۵ و کیلی، ۱۳۹۳: ص ۲۴-۳۲)، پس در واقع تمام موجوداتی که در آب‌ها زندگی می‌کنند از آن اوست. با توجه به مهرهایی ایلامی ایزدی که در دست گیاهی چند شاخه مانند خار در دست دارد، ایزد زندگی نامیده شده‌است (نک. شکل ۵ و ۶) و بر روی برخی مهرهای دیگر که دارای نمادهایی از ایزد انا نیز هستند، دوباره این ایزد ایزد زندگی نامیده شده‌است (نک. شکل ۸ و ۹). با توجه به این مهرها به نظر می‌آید انا در ایلام علاوه بر نقش‌های میانرودانیش بدلیل احاطه او بر گیاه جاودانگی، ایزد زندگی نیز دانسته می‌شده‌است که شاید نقش شفا بخشی که در تمدن میانرودان به انسان‌ماهی نسبت داده شده نیز برگرفته از این نقش انا در میانرودان نیز باشد.



شکل ۵- مهر دوران ، ایزد زندگی (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، شکل ۳۱۲۴).



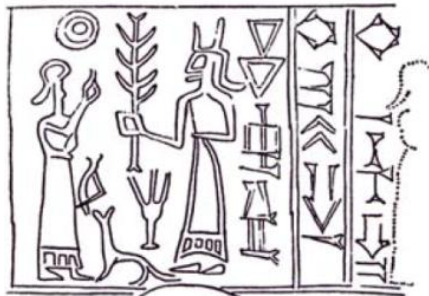
شکل ۶- مهر دوران ، ایزد زندگی (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، شکل ۳۱۲۵).



شکل ۷- مهر دوران ، ایزد زندگی با نمادهای انا (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، شکل ۳۱۳۱).



شکل ۸- مهر دوران ، انا با نام ایزد زندگی (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، شکل ۳۱۳۹).



شکل ۹- مهر دوران ، انا با نام ایزد زندگی (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، شکل ۳۱۴۰).

### زن ماهی در ایلام:

از دوران کهن ایلامی نقش مهری باقی مانده که بر روی آن فردی دارای پاهایی شبیه به باله ماهی باقی مانده است (نک. شکل ۱۰).



شکل ۱۰- مهر دوران سوکل مح، زن ماهی (روک، ۲۰۰۸: ۲، ۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

نقش ماهی در ترکیب با نقش انسان و حیوانات در ایلام و سرزمین‌های اطراف آن به وفور یافت شده است. این نقش در میان رودان نیز هم به صورت نرینه و مادینه و در ترکیب با موجودات مختلف بسیار دیده شده است. اما سعی بر آن است که نقش زن ماهی و عناصر مرتبط با آن را بررسی نماییم. ماهی ابتدا با الهه مادر همراه بود (هال، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰).



شکل ۱۱- مهرهایی میانرودانی از موزه متروپولیتن (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ص ۲۱۷).

از دوره ایلام میانه استلی از اونتش نپیرشه باقی مانده که در ردیف سوم آن از بالا نقشی از یک زن ماهی در حالی که فواره‌ای از آب گردان درون کوزه‌ها را در دست دارد دیده می‌شود. بر روی سنگ سیاهی در چهار ردیف موضوعاتی نقش شده است (آمیة، ۱۳۸۱: ص ۵۸). استل اونتش نپیرشه (۱۲۴۰-۱۲۷۰ ق.م) و نپیرآسو دومین اثر مهم ایلامی از دوره است. به عقیده بنوئیت، در این کتیبه یادمانی در ردیف اول از بالا شاه در برابر ایزد نشسته‌ای که تاج شاخداری بر سر دارد قرار دارد. در ردیف دوم ناپیرآسو پشت سر شاه و سپس اونتش نپیرشه و در روبروی او کاهنه اوتیک ۱۸ (مادر شاه؟) نقش شده است. در ردیف سوم دو الهه با تاج شاخدار و جویهای روان از چند گلدان که در دست آن‌ها به هم رسیده‌اند دیده می‌شود. در ردیف چهارم دو موجود مذکر با بالاتنه انسانی و پائین تنه بزکوهی که برگ‌های درختان را در دست گرفته‌اند دیده می‌شوند (پاتس، ۲۰۱۶: ص ۳۴۰؛ بنوئیت، ۱۹۹۲-۹۳: ص ۱۲۹).



شکل ۱۲- استل اونتش نپیرشه (بنوئیت، ۱۹۹۲-۹۳: ص ۱۲۸)

این افراد توسط کتیبه‌هایی که بر روی بازویشان نوشته شده شناسایی شده‌اند. این کتیبه شامل

۴ ردیف است. در ردیف بالایی شاه و فردی نامعلومی نقش شده‌اند. در ردیف زیرین شاه به همراه دو زن که یکی از آنها پشت شاه ایستاده است و دیگری روبروی شاه قرار دارند و در ردیف زیرین نقش زنی با بدنی انسانی و پاهایی مانند ماهی قرار دارد که دو طناب را از دو طرفش در دست‌هایش به هم رسانیده است و به نظر می‌آید نقش قرینه آن نیز روبرویش قرار دارد. در ردیف آخر نیز مردی با نیم تنه نامعلوم و دم در حال رسیدگی به درخت مقابله دیده می‌شود و احتمالاً این نقش نیز قرینه می‌باشد (نک. شکل ۱۳). برای بررسی بیشتر این استل به بررسی هر ردیف از بالا به پائین به طور جداگانه می‌پردازیم.



شکل ۱۳-ردیف سوم در استل اونتش‌نیرشه (بنوئیت، ۱۹۹۲-۹۳: ص ۱۲۹)

در ردیف سوم دو زن‌ماهی مؤنث دیده می‌شوند که آن‌ها مظهر آب‌های آسمان و زمین است و این آب‌ها بشکل طناب‌هایی هستند که از سه جفت ظرف فوران می‌کند. دو زن‌ماهی، از جنس مؤنث که در میان یک متن مشبک که مظهر آب‌های آسمان و زمین است، و این آب‌ها بشکل طناب‌هایی از سه جفت ظرف فوران می‌کند، دیده می‌شود (آمی، ۱۳۸۴: ص ۵۸). پیکره‌ای با بالاتنه انسان و پایین تنه ماهی از ادوار کهن در هنر میان‌رودان حضور داشته و تا دوره سلوکیان حضور آن تداوم داشته است. این موجود به عنوان محافظ جادویی هم به شکل مجسمه یادبودی در کاخ‌ها و

معابد و هم به صورت پیکرک‌های کوچک دیده شده است. این موجود گاهی با خدا آب نیز در ارتباط بوده است. در هنر از دوره بابلی کهن گه‌گاه نوع مؤنث این موجود نیز دیده می‌شود (بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۲۱۶-۲۱۸).

در ردیف سوم از بالا نقش زنی با لباسی فلس‌دار و پاهایی با شکل باله ماهی می‌بینیم، او بر سر کلاه ایزدی دارد. لباسی از پولک‌های ریز بر بالاتنه او نمایان است و فقط پائین‌تنه او با فلس‌هایی بزرگ پوشیده شده است. چنین که از نقش کنار آن برمی‌آید او جفتی مانند خود در کنار دارد. لبه باله پائینی او با کوزه‌ای ارتباط دارد که در ادامه آن طنابی از هر دو کوزه پائینی به دو کوزه که از صفحه بالای سر او آویخته شده است به صورت ضربدری در ارتباط است و او این دو طناب را در محل تقاطع دو طناب که بر روی شکم او قرار گرفته است با دو دست گرفته است، به صورتی که دست راست از بالا و دست چپ در پائین دست راست قرار گرفته است. او گردنبندی با سه حلقه است که به صورت طوقی گردن او را پوشانده است و در هر کدام از دست‌های او نیز دستبندهایی با سه حلقه دیده می‌شود البته طناب سومی دو ایزد بانو را از هم جدا کرده است. او علاوه بر ویژگی‌های انسانی در بالاتنه و بدنی پوشیده از پولک و نیز پائین‌تنه‌ای به شکل ماهی، دارای دو گوش است یکی گوش انسانی و دیگر گوش شبیه چهارپایان است (نک. شکل ۸۵).

در این صحنه ما در دست زن طناب‌هایی می‌بینیم که با توجه به مشابه‌های بسیار آن در میان رودان (پارو، ۱۳۹۱: ص ۳۰۸-۳۲۰) می‌توان آن را آبی در حال جریان دانست که حرکتی کنترل‌شده از جانب ایزدان دارد. در این نقش زنی با کلاهی شبیه ایزدان میان‌رودانی دیده می‌شود که در محل کمر طناب‌هایی را با دو دست گرفته است. این زن در بالاتنه لباسی ندارد و تنها پوشش بالاتنه او یک گردنبند طوق سه حلقه‌ای است. سپس از کمر تا رسیدن به باله انتهایی پوششی از پولک دارد (نک. شکل ۱۴).



شکل ۳ زن ماهی استل اوئتش نپیرش (پارو، ۱۳۹۱: ص ۳۶۱).

در این شکل وسط لباس در پایین دامن از هم جدا شده است و شاید این بدان دلیل باشد که نقش کننده می دانسته این لباسی است که پوشیده شده است و اشکالی در نشان دادن آن در شکل وجود ندارد. وقتی به سر این زن ماهی نگاهی بیندازیم متوجه می شویم که گوشه‌ای که در جای اصلی رشد کرده گوشه‌ای است که شکلی انسانی دارد و گوشه‌ای که شکل گوش چهارپایان است در انتهای موها و در امتداد لبه کلاه دیده می شود. دست‌های او در محل کمر جمع شده است که این عملی است که ملکه در صحنه بالایی در حال انجام آن است. این شاید نشان از آن باشد که ملکه این عمل را باید طی آئینی انجام می داده و نشان از نقش‌هایی باشد که او بر عهده خواهد گرفت (شکل ۱۵)



شکل ۱۵- کلاه خود از آثار ایران در موزه متروپولیتن، شماره ۶۳.۷۴



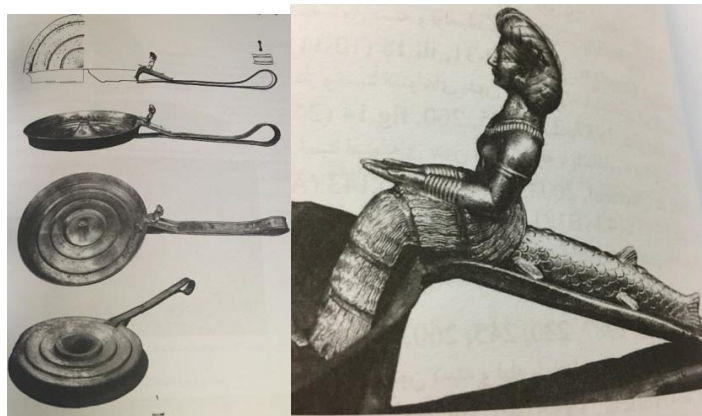
بر روی کلاه‌خودی از دوران ایلام میانه نقش ایزدی دیده می‌شود که در دو طرف او نقش او ایزدبانوانی قرار دارند. این ایزد با ریشی بلند و لباسی فلس‌دار در وسط شکل شده که ظرفی در دست دارد. که این فرد بالیاس فلس‌دارش می‌تواند نمونه مذکر این ایزد در ایلام باشد. در این کلاه‌خود اثری از وجود پا برای این ایزد با ایزدبانوان همراه او نیست. چنین کلاهی طلاکوبی را جنگاوران و افراد بلندپایه مورد استفاده قرار می‌داده‌اند (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ص ۸۸). او در این نقش کوزه‌ای در آغوش دارد که با دو دست آن را گرفته، آبی از درون کوزه جریان دارد که از کوزه بیرون آمده و از یک شانه‌ی او گذشته و در امتداد دستانش تا پایین آرنج او حرکت کرده و سپس به صورتی موج از جلو به شمت پایین بدن او حرکت کرده و پس کمی قبل از رسیدن به زمین از همان جلو گردشی کرده و به سوی دیگر بدن او حرکت کرده‌است و دوباره مسیری قرینه نیمه دیگر بدن را طی کرده است و دوباره به کوزه بازگشته است. پیراهن او در قسمت بالاتنه لباسی با آستینی کوتاه است که لبه آن با یراق‌هایی زیبا تزیین یافته است. کلاه او به نظر همان کلاه چند طبقه مخصوص ایزدان است، اما گویی پس از کلاه و در دنباله آن پوششی از فلس ماهی او را احاطه نموده‌است. دو ایزدبانویی که در اطراف او نقش شده اند نیز گویی یک شخصیت را نمایان می‌سازند که به صورت قرینه در اطراف او نقش شده‌اند. لباس این ایزدان با آن که مذکرند با لباس ایزدبانوی استل اونتاش ناپیریشا بسیار شباهت دارد. مانند زن‌ماهی نقش شده در استل اونتاش‌نپیرش، این ایزد نیز پاهایش مشخص نیست و با آبی در گردش ایستاده است که البته آب درون کوزه او فقط در گردش است و به زمین نمی‌ریزد. نمونه‌ای از مرد ماهی مربوط به هزاره اول ق.م. بر تبری که از لرستان بدست آمده نقش انسان‌ماهی‌ای دیده می‌شود که گویی مردی در دست ماهی دارد و از دست به پایین تنه خود او را ماهی تشکیل می‌دهد. در بالای سر مرد تبر به پنج دندان ختم می‌شود که مانند انگشت است (واندن‌برگ، ۱۳۴۹: ص ۹۵؛ حیدری‌شکیب، ۱۳۹۱: ص ۶۲؛ حصاری، ۱۳۹۱: ص ۸۶-۸۷).



شکل ۱۶- مرد ماهی از هزاره اول ق.م یافته شده در لرستان در موزه ملی ایران

این تیر که نمونه‌ای از آن از تمدن‌های حوزه هلیل رود نیز بدست آمد، به دلیل نوع تزئین خاصی که داراست، به نظر می‌آید به عنوان جنگ‌افزار تزئینی و برای افراد طبقه بالای جامعه ساخته شده است و در واقع جنگ‌افزاری نمادین درباری (نماد قدرت) است (حصاری، ۱۳۹۱: ص ۸۷). دو ایزدبانویی که در دو طرف او قرار دارند، نیز علاوه بر این که پایی ندارند دست‌هایی به شکل سم چهارپایان دارند. این حضور عنصر مرد ماهی و زن چهارپا را می‌توان بسیار در ارتباط با حضور عناصری از این دست البته به صورت عکس یعنی زن ماهی و مرد چهارپا در استل می‌تواند نشان از ارتباط بسیار زیاد این دو موجود ترکیبی با هم باشد. در میانرودان، تندیس برخی از هفت خردمند با پوست ماهی پوشیده شده است. از طرفی چون تندیس‌هایی از انسان- ماهی‌ها در کنار بیمار و یا در پی ساختمان‌ها یافت شده‌اند و از این رو آنان را نوعی محافظ با نیرویی جادویی نیز می‌توان دانست. از آنجایی که در بسیاری از موارد این پیکرک‌ها در گروه‌هایی هفت‌تایی دفن شده‌اند، آنان را در ارتباط با هفت خردمند و نماد آنان در ارتباط با خرد و دانایی دانسته‌اند. در هنر نوآشوری از این

نماد با هدف محافظتی جادویی استفاده می‌شد (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۴۲، ص ۲۱۷). در نمادسازی آشوری، بابلی و کاسی، نماد انا، چوبدستی خمیده‌ای بود که سرش قوچ است و نیز لاکپشت می‌باشد (نک. بلک و گرین، ۲۰۰۴: ص ۱۲۹؛ هال، ۱۳۹۰: ص ۳۲۵). در جوبجی در قبری متعلق به دو شاهزاده خانم ایلامی و درتنگ سروک تندیس‌هایی از زن ماهی‌ها یافت شده (نک. شیشه‌گر، ۱۳۹۳: ص ۲۹۲-۳۰۳)، اما به دلیل وجود تفاوت‌هایی مانند اینکه زن ماهی استل دارای کلاه ایزدی است ولی هیچ کدام از زن‌ماهی‌های دیگر این ویژگی را ندارند، زن ماهی استل لباسی در بالاتنه ندارد و در پائین‌تنه دامنی از فلس برتن دارد ولی زن‌ماهی‌های یاد شده لباسی زنانه دارند و تمامی این لباس‌ها با روزت‌ها و چین‌ها تزئین یافته‌اند، در استل زن‌ماهی پا ندارد ولی زن‌ماهی‌های دیگر پائین‌تنه‌ای دوگانه دارند که بالاتنه از یک سو با دم ماهی ادامه یافته و به باله‌های ماهی ختم شده و از یک سو پائین‌تنه کامل یک زن را با پاهایی فربه نشان داده، دست‌های گره خورده این ایزدبانو در استل نشان از یک حس محافظتی دارد اما زن‌ماهی جوبجی و تنگ‌سروک با دست‌هایی که در امتداد کمر در جلوی بدن و با دست‌هایی گشوده صاف در امتداد ساعد، بیشتر نمودی از فردی اعطاکننده است که مستقیم سوی دست او به طرف داخل ظرف اشاره دارد که نشان از اعطا کردن چیزی است که در ظرف دیده می‌شود، در استل بیشتر بر جنبه ایزدی او تاکید شده در حالی که در جوبجی و تنگ‌سروک بیشتر بر ویژگی‌های زنانه و وجود دوگانه انسان‌ماهی بودن او تاکید شده است. در واقع به جز زن ماهی بودن این یافته‌ها کمتر می‌توان مشابهتی میان این دو نقش یافت اما درون مایه هر دو اثر را می‌توان یکی دانست و آن موجودی است که نیمه‌انسان و نیمه ماهی است. از آن‌جا که نقش الهه ماهی را بر روی استل اوئتش‌نپیرشه، ظروف قبور شاهزاده‌خانم‌های ایلامی، کلاه‌خودی که متعلق به فردی از اشراف ایلامیست و تبری که نمونه‌ای تزئینی و درباری در حکومت ایلام است، شاید بتوان حضور این موجود را در میان ایلامیان با قدرت و حکومت مرتبط دانست.



شکل ۱۷- پیکرک زن ماهی نقره جویجی (شیشه گر، ۱۳۹۳: ص ۳۷۲-۳۷۳).

تمامی یافته ها در جویجی به غیر از یک نمونه از مفرغ‌اند. تندیس‌ی که از جنس نقره است بسیار ظریف‌تر بوده البته فرسایش کمتری نیز داشته. تمام لباس زن ماهی و حتی روی موهای او با طرحی از پولک‌های ماهی پوشیده شده است و می‌توان در این نمونه تاکید فراوان بر ماهی بودن این زن ماهی دیده می‌شود (شیشه گر، ۱۳۹۳: ص ۳۶۹).



شکل ۱۸- زن ماهی تنگ سروک (حصاری، ۲۰۱۴: ص ۳۹)

از سویی زن ماهی‌های تنگ سروک مربوط به پیش از قرن ۱۵ ق.م دوره سوکل‌محها، تاریخ‌گذاری شده‌است و زن ماهی جویجی مربوط به دوران ایلام نو است (شیشه گر، ۱۳۹۴: ص ۲۹۳) و استل

اونشش پیرشّه مربوط به زمانی در بین دوره این یافته‌ها بوده‌است نمی توان این عدم شباهت بانوماهی این استل را نشانی از ناآگاهی دانست بلکه شاید به دلیل آن باشد که از این شکل منظور دیگری داشته باشند. ممکن است این الهه ماهی با زن برجسته این شکل یعنی ملکه و گاومرد آن با شاه مرتبط باشد.

در اسطوره سفر اینانا به جهان زیرین انا جوان زیبایی می‌آفریند که با بدست آوردن دل ارشیکی گال از او در خواست آب حیات می‌نماید و با وانمود کردن آب خوردن قطراتی از آب را بر روی اینانا بریزد و اینانا در پی آن زنده شود، البته این تدبیر شکست می‌خورد. اما خود ارشیکی گال دستور می‌دهد تا بر صورت اینانا آب زندگانی بریزند که این باعث زنده شدن او می‌شود (مک‌کال: ص ۱۳۹۳، ۹۷). چنان‌که در اسطوره اینانا آمده آبی که در جهان زیرین است باعث مرگ است و آبی که انکی/ انا عطا می‌کند آب زندگی و باعث حیات است (ساندرز، ۱۳۸۷: ص ۱۹۶-۱۹۹) و انکی این آب را به کول‌تورو می‌دهد تا آن را بر اینانا بپاشد و او را زنده کند (کرامر، ۱۳۹۱: ص ۱۴۴).

### زن ماهی تنگ سروک و جوبجی:



شکل ۱۹- زن ماهی تنگ سروک (حصاری، ۲۰۱۴: ص ۳۹)

زن ماهی‌ایی از کاوش‌های غیر علمی و احتمالاً مربوط به تنگ سروک در موزه انگلیس وجود دارد که برای اولین بار توسط روبرانت معرفی شده‌است (حصاری و شکری، ۲۰۱۴: ص ۳۷). آمیه این

گونه از پیکرک‌های زن‌ماهی ایلامی را وسیله‌ای زینتی برای دسته‌صندلی می‌داند و می‌گوید این موجود در ارتباط با مردماهی بوده که پیش از آن در تمدن میانرودان دیده شده‌است، این پیکرک را مربوط به ایزدبانوان کوچک میانرودانی می‌داند که در ارتباط با خدای مگاک و گرداب بوده و احتمال می‌دهد که شاید برترین ایزد در میان ایزدان ایلامی شبیه به او بوده‌باشد. به نظر او زن‌ماهیان مربوط به دوره سوکل‌مح‌ها ( حدود ۱۹۰۰-۱۶۰۰ ق.م.) بوده که تصور آنان و انواعی دیگر از موجودات ترکیبی از دوره سوکل‌مح به بعد در میان یافته‌های تمدن ایلام دیده می‌شود (۱۳۸۹: ص ۴۹). در کاوش‌های جوبجی از گور سه بانوی ایلامی تعدادی از این زن‌ماهیان بدست آمدند که ماهی‌تابه‌هایی را که وسط همه آنان برآمده بود را در واقع تزئین می‌نمودند که احتمالاً در زمان خود این ظروف و زن‌ماهیان دارای کارکرد ویژه مذهبی و ... بوده‌اند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله آمد زن‌ماهیان در تمام ادوار تاریخ ایلام در میان نقوش باقی‌مانده از این تمدن دیده شده و این نشان از جایگاه رفیع آن در فرهنگ ایلامی است. از موجودات همکار انا ایزد آب‌ها هستند که در واقع وظیفه نگهبانی از آب‌های جاری از کوه‌ها و شاید مکان‌های دیگر بر عهده آنان است و از طرفی ایزد آب ایلامی، ایزد زندگی نیز دانسته شده‌است که این ویژگی به موجودات همکار او از جمله زن‌ماهیان نیز تسری خواهد یافت. پس احتمالاً این موجود نیز موجودی زندگی‌بخش می‌بوده‌است که این ویژگی حضور ایزد آب و همکارانش را به طور گسترده در بسیاری از آثار ایلامی توجیه می‌کند. چنان‌چه بر روی مهری میانرودانی دیده شد انسان‌ماهی‌ها در حال نگهبانی از درخت زندگی بودند که این نقش انا و موجودات همکارش را در پاسبانی از این درخت در تصاویر بسیار بر جای مانده از حوزه تمدنی ایلام و میانرودان نمایان می‌سازد. از طرفی، ممکن است حضور این زن‌ماهیان بر روی دسته‌ماهی‌تابه مربوط به ارتباط این موجود که نگهبان آب‌هاست با موجودات دریایی باشد و در واقع او غذاهای دریایی برای مردگان در ماهیتابه فراهم می‌سازد تا او در جهان پس از مرگ از آن

تناول کند. با آن که ممکن است نام ماهی تابه که اکنون برای تمامی انواع تابه استفاده می‌شود ممکن است بتواند باقی مانده‌ای از نام این ظرف در فرهنگ زبانی مردم ایران باشد که اکنون در واقع نامی معادل تابه است که در زبان کنونی ایرانیان این دو نام در کنار هم و در یک معنا استفاده می‌شوند و اکنون دارای هیچ معنای جز ظرفی برای پخت و پز ندارد و دانستن آن در واقع به شناخت ماهیت تاریخی آن کمکی نمی‌کند، اما به قوت گرفتن این احتمال کمک می‌کند که حضور زن ماهیان بر روی دسته این ظروف نشانی از توجه به اطعام مردگان در دنیای پس از مرگ، توسط بازماندگان باشد. به هر روی چنین به نظر می‌رسد که احتمالاً حضور این ظروف درون قبور افراد و نشستن این موجود بر روی دسته‌ی ماهی تابه علاوه بر اعطای خوراک، بدلیل اعطای زندگی به فرد متوفی می‌باشد و به طور کلی می‌توان گفت این موجود در دیدگاه ایلامیان آب و ایزد آب و همکارانش از جمله زن ماهی، زندگی بخش بوده‌اند و این دلیل تداوم حضور نقش زن ماهی در تمامی ادوار فرهنگ ایلام بوده‌است.

### منابع و مأخذ

۱. آمیه، پیر، (۱۳۸۱). *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، تهران: ۱۳۸۱، دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۲. پارو، آندره، (۱۳۹۱). *سومر و اکد*، ترجمه محمد رحیم صراف و منیژه ابکائی خاوری، تهران: ۱۳۹۱، سمت، چاپ اول.
۳. ژیران، ف. ل.، دلاپورت، گ.، لاکوئه، (۱۳۸۹). *اساطیر آشور و بابل*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: قطره، چاپ چهارم.
۴. ساندرز، ن. ک.، (۱۳۸۸). *حماسه گیل گمش*، تهران: ترجمه محمد اسماعیل فلزی، هیرمند، چاپ سوم.
۵. ساندرز، ن. ک.، (۱۳۸۷). *بهشت و دوزخ در اساطیر بین‌النهرین*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور

- تهران: کاروان، چاپ اول.
۶. کرامر، سمیوئل نوآ، (۱۳۹۱). *الواح سومری*، ترجمه داود رسائی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۷. شیشه‌گر، آرمان، (۱۳۹۳). *آرامگاه دوبانوی ایلامی از خاندان شوتورنهورته پسر ایندد*، تهران: میراث فرهنگی و صنایع دستی، چاپ اول.
۸. وارنر، رکس، (۱۳۸۹). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره، چاپ چهارم.
۹. وکیلی، شروین، (۱۳۹۳). *اسطوره‌ی افرینش بابلی*، ترجمه متن انومالیش آزاده دهقانی، تهران: نشر علمی، چاپ اول.
۱۰. هال، جیمز، (۱۳۹۲). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ ششم.

## مقالات

۱. سیدین بروجنی، سید رسول، (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). «*مادینه پیکرک‌های سفالین قالبی ایلامی: جلوه‌ای از آیین‌های و باورها*» پژوهش‌های باستانشناسی و مطالعات بین رشته‌ای، شماره ۲، از ص ۴۵ تا ص ۵۴.
۲. پورفرسنگی، مریم، نادعلیان، احمد، (بهار ۱۳۹۱). «*بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان - بررسی نمونه‌های ایزد آب در هنر هزاره سوم و دوم پیش از میلاد باستان با نگاهی به آثار بین‌النهرین و شهداد*» نگره، شماره ۲۱، از ص ۸۴ تا ص ۹۴.



۳. حصاری، مرتضی، نظافتی، نیما، ناصری‌تهرانی، محبوبه، (بهار و تابستان ۱۳۹۱). «گونه‌شناسی تبرهای عصر مفرغ حوزه فرهنگی جنوب شرق ایران: تبرهای مفرغی موزه هرنندی کرمانی» تهران: پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره دوم، شماره ۲، از ص ۸۱ تا ص ۹۶.
۴. حیدری‌شکیب، رضا، افروغ، محمد، میرکمالی، الهام، (اردیبهشت ۱۳۹۱). «جایگاه نگاره تزئینی نقش ماهی در فرهنگ و هنر ایران» تهران: کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۴، از ص ۵۸ تا ص ۶۳.
۵. واندن‌برگ، لویی، (مرداد و شهریور ۱۳۴۹). «مفرغ‌های لرستان» ترجمه یحیی شهیدی، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۷، از ص ۹۸ تا ص ۱۳۲.

## References

### Books

- ۱) Black, J., Green, A., (2004). *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia*, London: Illustrations by Tessa Richards, British museum press.
- ۲) Potts, D.T., (2016). *The Archaeology of Elam*, New York: Cambridge University press, 2<sup>nd</sup> edition.
- ۳) Roach, K.J., (2008). *Elamite seal corpus, c. 3500- 1000 BC*, 3 Vols., Sydney: University of Sydney press.
- ۴) Wiggermann, F.A.M., (1992). *Mesopotamian protective sprites the ritual texts*, Groningen: STYX publicatins.

### Articles:

- ۱) Benoit, A., (1992- 93). «*The two Archaic Deposits*» the Royal city of Suse: Ancient Near East Treasures in louvre, O. Harper, J. Aruz, F. Tallon (eds.), New York: The Metropolitan museum of Art, pp 58- 67.

- ۲) Hesari, M., Shokri, T., (March 2014). «**The Effigy of Fish Goddess of Tang-E Sarvak**» International Journal of Research on English language Teaching Student, Vol. 2, pp 35- 41.
- ۳) Porada, E., (1981- 1982). «**The cylinder seal found at Thebes in Boeotia**» New York: 28 Bd., Published by: Archiv für Orientforschung (AfO)/Institut für Orientalistik, pp 1- 70
- ۴) Potts, D. T., (2004). «**The Numinous and the Immanent some Thought on Kurangun and the Rudkhaneh e Fahlyan**» Flosach (Eds.), Kjeld von & Thrane, Henrik & Thuesen, Ingolf, From Handaxe to Khan, Aarhus University, pp 143- 156.